

مظهریت اهل بیت علیهم السلام برای رحمت عام و

خاص الهی در احادیث امان

محمد ذوقی هریس^۱

مرتضی عالی پور^۲

چکیده

در احادیث امان، اهل بیت علیهم السلام مظهر رحمت عام و خاص الهی هستند. رحمت عام شامل خلقت عالم و هدایت آنها است، و رحمت خاص شامل هدایت تشریحی و مصونیت از عذاب و هلاکت دنیوی و اخروی است. اهل بیت علیهم السلام نیز دو گونه امان دارند: یکی امان عام که مظهر رحمت عام الهی و سبب مصون ماندن موجودات از عدم و ضلالت می‌گردد، و دیگری امان خاص که مظهر رحمت خاص الهی و سبب مصون ماندن انسان از ضلالت و گمراهی در وصول به شریعت و امان آنها از عذاب دنیوی و اخروی (شفاعت) است. امان از عدم یعنی اهل بیت علیهم السلام مجرای فیض الهی هستند و به یمن وجود آنها است که کل هستی از خداوند تبارک و تعالی هستی گرفته و می‌گیرد، و امان از ضلالت یعنی هدایت الهی از طریق آنها در عالم ساری و جاری است و کسانی که ولایت آنها را بپذیرند در طریق هدایت الهی و صراط مستقیم خداوند قرار می‌گیرند. امان بودن اهل بیت علیهم السلام از عذاب نیز به دو صورت مجسم شده است؛ یکی اینکه به یمن وجود آنها عذاب دنیوی از امت رفع و دفع شده، و صورت دیگر اینکه به سبب شفاعت اهل بیت علیهم السلام در آخرت از عذاب اخروی مصونیت می‌یابند.

واژه‌های کلیدی: احادیث امان، مظهریت اهل بیت علیهم السلام، رحمت عام و خاص، هدایت عام و خاص.

۱. دانش آموخته سطح چهارم مؤسسه آموزش عالی امام صادق علیه السلام و مدرس حوزه و دانشگاه.

۲. دانش آموخته سطح سه حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول)، مستخرج از رساله سطح سه.

مقدمه

بنابر مجموعه‌ای از احادیث که حافظان و محدثان اهل سنت و شیعه از رسول خدا ﷺ روایت کرده و به احداث امان مشهور شده‌اند، اهل بیت آن حضرت ﷺ مایه نجات امت و امان یافتن از اختلاف و گمراهی و هلاکت معرفی شده‌اند. مقاله حاضر، با بررسی احادیث مذکور در پی پاسخ به این سؤال است که بین رحمت عام و خاص الهی و امان عام و خاص اهل بیت ﷺ چه رابطه‌ای برقرار است؟ توضیح اینکه خداوند تبارک و تعالی دو گونه رحمت دارد: یکی رحمت عام و جهان شمول که تمامی موجودات را در بر گرفته است و دیگری رحمت خاص، که اختصاص به برگزیدگان دارد. از سوی دیگر، احادیث امان نیز بر دو نوع امان دلالت دارند: یکی امان عام، که امان از عدم و نیستی موجودات است و دیگری امان خاص، که امان از ضلالت و امان از عذاب اخروی می‌باشد. حال آیا می‌توان گونه‌های مختلف امان اهل بیت ﷺ را جلوه‌ای از رحمت عام و خاص دانست؛ به طوری که امان بودن اهل بیت ﷺ مظهر و مجرای تجلی رحمت عام و خاص الهی در تمام زمینه‌ها باشد؟ پاسخ این سؤال متوقف بر بررسی و تحلیل احادیث امان و کشف قلمرو مظهریت اهل بیت ﷺ است.

حدیث امان، در کتاب‌هایی که در باره فضایل اهل بیت ﷺ از سوی عالمان اسلامی نگارش یافته و احیانا در کتاب‌های اعتقادی مطرح شده است، اما به صورت مستقل نسبت به احادیثی چون ثقلین و سفینه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از جمله مقالاتی که در باره این حدیث نگارش یافته می‌توان از مقاله «حدیث امان» از غلامحسین زینلی، مقاله «اعتبارسنجی حدیث امان در روایات اهل سنت» از رسول چگینی، و مقاله «حدیث امان و امامت اهل بیت ﷺ» از علی ربانی گلپایگانی و علیرضا فاطمی نژاد نام برد. مقاله اول با بررسی نقل‌های این روایت، به اعتبار این احادیث در میان شیعه و اهل سنت پرداخته و تلاش کرده تا دلالت احادیث امان بر وجود مبارک امام دوازدهم ﷺ و نیز علم و عصمت امامان ﷺ را اثبات کند. مقاله دوم مشهورترین نقل احادیث امان در منابع اهل سنت را مورد بررسی قرار داده و اعتبار حدیث بر اساس قواعد رجالی اهل سنت را به اثبات رسانده است. و مقاله سوم، پس از نقل متن مشهور حدیث و اثبات اعتبار آن و امان بودن اهل بیت ﷺ در حوزه

تکوین و تشریح و دلالت آن بر عصمت و افضلیت اهل بیت علیهم السلام، امامت آنان را نتیجه گرفته است. در مقاله حاضر با تبیین مظهریت اهل بیت علیهم السلام برای رحمت عام و خاص الهی، امان بودن آنان در حوزه تکوین و تشریح با بسط و تحقیق جامع‌تری بررسی شده است.

۱. مفاهیم و کلیات

۱-۱. رحمت الهی و انواع آن

واژه رحمت، به معنای تأثری است که از مشاهده ضرر و یا نقص در دیگران به آدمی دست می‌دهد و انسان را وادار می‌کند در مقام جبران ضرر و اتمام نقص او برآید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۳۴۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ۱۲: ۲۳۰). وقتی این کلمه به خدای تعالی نسبت داده شود، به معنای نتیجه آن تاثر است؛ یعنی افاضه خیر بر مستحق خیر، به مقداری که استحقاق و ظرفیت آن را دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۵: ۱۸۷).

رحمت الهی به اعتبار شمول و گستره آن، به رحمت عام و خاص تقسیم می‌شود. رحمت عام الهی رحمتی است که همه چیز را فرا گرفته است. مظهر این رحمت، دادن هستی به خلق و افاضه چیزی است که موجود، استعداد آن را یافته و مشتاقش شده و در صراط وجود و تکوینش بدان محتاج است، و نیز دادن بقاء و رزقی که بقای خلق را امتداد می‌دهد (همان، ۱۰: ۸۰). این گونه رحمت حق تعالی، استثنا ندارد و سراسر گیتی مشمول رحمانیت خداوند و یا عین آن است؛ یعنی آنچه در عالم هستی هست، رحمت حق است (همان، ۸: ۲۷۵). رحمت خاص الهی، افاضه و اعطاء خصوص آن چیزهایی است که مؤمنین در صراط هدایتشان بسوی توحید و سعادت به آنها محتاجند، این سعادت مظاهر مختلفی دارد که خدای تعالی آنها را تنها به مؤمنین مرحمت می‌کند نظیر داشتن معارف الهی، اخلاق نیکو، اعمال صالح و حیات طیبه و زندگی نورانی در دنیا و آخرت، جنت و رضوان آخرت. کفار و مجرمین بخاطر کفر و جرمشان از آن بهره‌ای ندارند و بهره آنان چیزی است در مقابل این رحمت، مانند عذاب استیصال و زندگی نکبت بار از دنیا، و آتش و آلام آن در آخرت (همان، ۸: ۳۵۷؛ مطهری، ۱۳۸۴، ۲۶: ۸۶).

با توجه به مضمون این دو نوع رحمت، می‌توان از رحمت عام تعبیر به «رحمت

وجودی»، و از رحمت خاص به «رحمت هدایت» تعبیر کرد.

۱-۲. هدایت الهی و انواع آن

هدایت به معنای راهنمایی همراه با لطف است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۸۳۵).

هدایت الهی بر دو نوع است:

أ) هدایت عام که به مقتضای آن، همه موجودات به واسطه نوعی «میل و کشش» با نیروی مرموزی که در درونشان هست به سوی مقصد و هدف کمالی‌شان کشیده می‌شوند (مطهری، ۱۳۸۴، ۲: ۱۵۴). خداوند متعال فیاض علی الاطلاق است و به هر یک از موجودات به اندازه ظرفیت وجودی و شایستگی‌اش تفضل و عنایت دارد و همچنان که به اندازه ظرفیت وجودی موجودات به آنها وجود اضافه کرده، همچنین آنها را در مسیر تکاملشان هدایت می‌کند. این هدایت تمام موجودات را در بر گرفته است: «ربنا الذی اعطى كل شیء خلقه ثم هدی» (طه: ۵۰)؛ پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده؛ سپس هدایت کرده است! این هدایت از نوع هدایت تکوینی است.

ب) هدایت خاص که به مقتضای آن، انسان به واسطه نوعی «الهام و اشراق و وحی» و به واسطه نیروی مرموزی که از جانب ملکوت به او القاء می‌شود به سوی مقصد و هدف کمالی‌اش راهنمایی می‌شود. این هدایت یا به صورت تکوینی می‌باشد که همان فطرت کمال طلب و بی‌نهایت طلب اوست که ذاتا میل و گرایش به آفریننده و خالق و علت خود و مشابهت به او را دارد، و یا تشریحی است که از طریق انبیاء و اولیای الهی به واسطه کتب و شرایع آسمانی در اختیار انسان قرار می‌گیرد.

۱-۳. محتوا شناسی احادیث امان

احادیث امان در منابع روایی فریقین نقل شده است (برای نمونه از منابع اهل سنت رک: حاکم نیشابوری، ۱۴۲۹، ۳: ۱۱۵ و ۲: ۳۴۱؛ احمد بن حنبل، ۱۴۰۳، ۲: ۷۶۱؛ شجرى جرجانى، ۱۴۲۲، ۱: ۲۰۳؛ ابن حجر هیثمى، ۱۴۲۵، ۲۳۳). در منابع شیعی، تعداد این احادیث با حذف موارد تکراری، افزون بر ۳۲ مورد است. مضمون احادیث امان را می‌توان از طریق دسته‌بندی «امان یافتگان»، «متعلق امان» و «امان دهندگان» تحلیل و بررسی کرد:

أ) امان یافتگان عبارتند از: ۱. اهل آسمان (اهل السماء) (قمی، ۱۴۰۲، ۲: ۸۸)، ۲.

اهل زمین (اهل الأرض) (خزاز رازی، ۱۴۰۱، ۲۹)، ۳. امت اسلام (مظفر نجفی، ۱۴۲۲، ۱: ۵۲۲). از این سه، اهل آسمان و اهل زمین مصداق امان عام، و امت اسلام مصداق امان خاص هستند.

ب) از امان دهندگان با ۸ عنوان یاد شده است: ۱. ستارگان (نجوم) (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۲۶۲)، ۲. اهل بیت من (اهل بیته) (حر عاملی، ۱۴۲۵، ۲: ۲۲۱)، ۳. ستارگان اهل بیت: (نجوم اهل بیته) (عده‌ای از علما، ۱۴۲۳، ۱۳۹)، ۴. من و اهل بیت (أنا و أهل بیته) (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۲۶۲)، ۵. ولایت من و ولایت اهل بیت من (وَلَايَتِي وَ وِلَايَةُ أَهْلِ بَيْتِي بَرَاءَةٌ وَ أَمَانٌ مِنَ النَّارِ) (طبری املی، ۱۳۸۳، ۱۷۶)، ۶. دوازده امام بعد از من (الْأئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ تِسْعَةَ مِئَاتٍ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أَمْنَاءٌ مَعْصُومُونَ؛ الْأئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ عَلَيَّ وَ رَابِعُهُمْ وَ ثَامِنُهُمْ عَلَيَّ وَ عَاشِرُهُمْ عَلَيَّ وَ آخِرُهُمْ مَهْدِي) (شعیری، بی تا، ۱۷)، ۷. علی و دو پسر من و نه نفر از اولاد حسین علیه السلام (علی و سبطای و التسعة من ولد الحسين أئمة (أبرار) امناء معصومون) (بحرانی، ۱۴۱۳، ۲: ۳۷۷)، ۸. کسانی که اطاعت آنها قرین اطاعت خداست (الذین قرن الله طاعتهم بطاعته) (حر عاملی، ۱۴۲۵، ۱: ۱۴۷).

در مجموع، امان دهندگان کسانی هستند که خداوند ولایت و اطاعت آنها را قرین اطاعت از خود در قرآن ذکر کرده و آنها رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام می‌باشند که در روایات دیگر آنها را ۱۲ نفر معرفی کرده که علی علیه السلام و دو فرزندش حسن و حسین و نه نفر از اولاد حسین علیهم السلام می‌باشند.

ج) برای متعلق امان ده تعبیر آمده: ۱. مطلق امور ناخوشایند (به دلیل اطلاق برخی نقل‌ها و عدم ذکر متعلق امان) (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ۲: ۲۷)، ۲. امان از «ما یکرهون»؛ یعنی امور ناخوشایند و آنچه مورد کراهت است: «أَتَى أَهْلَ السَّمَاءِ مَا يَكْرَهُونَ؛ أَتَى أَهْلَ الْأَرْضِ مَا يَكْرَهُونَ» (حر عاملی، ۱۴۲۵، ۱: ۱۴۷)، ۳. امان از غرق: «إِنَّ النَّجْمَ فِي السَّمَاءِ أَمَانٌ مِنَ الْغَرَقِ؛ النَّجْمُ أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنَ الْغَرَقِ» (مظفر نجفی، ۱۴۲۲، ۱: ۵۲۲)، ۴. امان از «ما یوعدون»؛ یعنی از آنچه به آن وعده داده شده: «أَتَى لِأَهْلِ السَّمَاءِ مَا يُوْعَدُونَ» (شعیری، بی تا، ۱۷) و «جَاءَ أُمَّتِي مَا كَانُوا يُوْعَدُونَ» (همان)، ۵. امان از اختلاف: «أهل بیته امان لأمته من الاختلاف، فإذا خالفتها قبيلة من العرب اختلفوا فصاروا حزب إبليس» (مظفر نجفی، ۱۴۲۲، ۱: ۵۲۲)، ۶. امان از «ذهاب»؛ یعنی رفتن از متن وجود، هلاکت و نابودی: «فإذا ذهب النجوم ذهب أهل

السَّمَاءِ؛ فَإِذَا ذَهَبَ أَهْلُ بَيْتِي ذَهَبَ أَهْلُ الْأَرْضِ» (قمی، ۱۴۰۴، ۲: ۸۸)، ۷. امان از «انفطار» یعنی از هم پاشیدن: «فَإِذَا انْتَشَرَتِ النَّجْمُ تَفَطَّرَتِ السَّمَاءُ» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ۲: ۲۷۳)، ۸. امان از ضلالت و گمراهی در دین: «أَهْلَ بَيْتِي أَمَانَ لِمَتِّي مِنَ الضَّلَالَةِ فِي أَدْيَانِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳: ۱۲۲)، ۹. امان از نار: «وَلَايَتِي وَوَلَايَةَ أَهْلِ بَيْتِي بَرَاءَةً وَ أَمَانَ مِنَ النَّارِ؛ وَلَايَتِي وَوَلَايَةَ أَهْلِ بَيْتِي أَمَانَ مِنَ النَّارِ» (طبری آملی، ۱۳۸۳، ۱۷۶؛ شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ۴۷۴)، ۱۰. امان از نزول عذاب: «فَإِذَا قُبِضَ أَهْلُ بَيْتِي نَزَلَ الْعَذَابُ» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ۲: ۲۷۳).

در مجموع، موارد دوازده گانه متعلق امان را می شود به سه قسم فرو کاست: ۱. امان از عدم، ۲. امان از ضلالت، ۳. امان از عذاب دنیوی و اخروی.

«امان» به صورت مطلق و «امان از ما یگرهون» و «امان از غرق» بر هر سه قسم منطبق است؛ «امان از سخط و اماجه» منطبق است بر امان از عدم و عذاب؛ «امان از ما یوعدون» و «امان از اختلاف» منطبق است بر امان از ضلالت و عذاب؛ «امان از ذهاب» و «امان از انفطار» منطبق است بر امان از عدم؛ «امان از ضلالت و گمراهی در دین» منطبق است بر امان از ضلالت؛ «امان از نار» و «امان از نزول عذاب» منطبق است بر امان از عذاب.

۴-۱. گستره مظهریت اهل بیت (رابطه رحمت عام الهی و امان عام اهل

بیت علیهم السلام)

بر اساس احادیث امان، اهل بیت علیهم السلام هم مظهر رحمت عام الهی و هم مظهر رحمت خاص الهی می باشند. وجود آنها هم ایمن دهنده ما سوی الله از «عدم» و «ضلالت» و هم ایمن دهنده آنها از «عذاب دنیوی» و «عذاب اخروی» می باشد.

۲. «امان از عدم» یا واسطه بودن برای رسیدن فیض وجود به مخلوقات

یکی از مظاهر و جلوه های امان بودن اهل بیت علیهم السلام، امان بودن از عدم و نیستی برای دیگر مخلوقات است؛ یعنی آنان واسطه و مجرای رسیدن فیض وجود- که عام ترین جلوه رحمانیت خداوند است- می باشند. عبارت «بنا فتح الله و بنا یختم» در زیارت جامعه کبیره و عبارت هایی دیگر از این قبیل در همان زیارت و در روایات و زیارات و ادعیه مأثوره، بیانگر این جلوه از مظهریت اهل بیت علیهم السلام برای رحمت عام الهی می باشد.

رحمت خداوند تبارک و تعالی، عام و جهان شمول است و چیزی جز اراده او نمی تواند رحمت او را مقید و محدود به حد خاص کند؛ تنها چیزی که از فیض منع می کند، عدم قابلیت قابل و ایجاد مانع از طرف مخلوق است. حال بحث در این است که آیا این رحمت عام و جهان شمول الهی، در تحت یک نظام و ترتب طولی و مجرای خاص همراه با سنن و قوانین خاص جاری می شود؟ یا اینکه هیچ اشکالی ندارد که این رحمت بدون نظام و واسطه به یک مخلوق محدودی تعلق گیرد؟

دسته ای از روایات، زمین را برای امام (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴، ۴: ۳۴۵) و وجود امام را مانع فرو آمدن آسمان ها بر زمین و مانع اماجه و بلعیدن اهل زمین دانسته، و اهل بیت علیهم السلام را واسطه و سبب باریدن باران و نشور رحمت و خارج شدن برکات زمین معرفی می کند (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ۱۱۶، ۱۱۹-۱۲۰ و ۱۷۷؛ همو، ۱۳۷۶، ۱۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱، ۲۳ و ۶ و ۳۵). در روایاتی دیگر، وجود آنها را قبل از خلق و ملازم با خلق و بعد از خلق سبب تام حفظ مخلوقات دانسته و وجود آنها را سبب اصلاح ارض و اهل آن معرفی می کند (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ۱۲۸ و ۱۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳: ۳۵). روایاتی نیز صراحتاً اهل بیت را واسطه و سبب و حجاب بین خداوند تبارک و تعالی و خلق معرفی می کند (شیخ طوسی، ۱۴۱۴، ۹۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳: ۱۰۲؛ صفار قمی، ۱۴۰۴، ۱۹).

سنت الهی بر این تعلق گرفته که هر معلول و هر حادثه ای را تنها از راه علل و اسباب حقیقی و قریب خود محقق کند «أبی الله أن یجری الاشیاء إلا باسباب» (کافی، ۱: ۱۸۳) و هیچ چیزی نمی تواند این سنت لایتغیر الهی را تغییر دهد «و لن تجد لسنة الله تبدیلا و لا تحویلا» (فاطر: ۴۳).

اولین موجودی که مستقیماً از وجود واجب تعالی متجلی شده و وجودش مجرای فیض او به همه عوالم است و نبود او سبب انعدام همه عوالم می گردد، وجود نوری نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۴۴۲) که از او به قلم (قمی، ۱۴۰۴، ۲: ۱۹۸) و عقل (همان، ۱۵: ۲۳۲) هم تعبیر شده است. به قلم وجود او کتاب تکوین مکتوب شده و به نور اوست که آسمانها منور گردیده اند، او عقل کل است و کل عقل. همین وجود نوری پیامبر است که واسطه فیض به همه موجودات - حتی وجود خلقی خود ایشان نیز - می باشد. او بالاترین ظرفیت را در بین مخلوقات برای استفاضه از نور و جمال و وجود حق تعالی دارد: «فدنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی» (نجم: ۸)

بخلاف موسی که «إِنك لن ترانی فان استقر مكانه فسوف ترانی فلما تجلی للجبل جعله دكا و خر موسی صعقا» (اعراف: ۱۴۳).

با این توضیح روشن می‌شود که چرا وجود مبارکش سبب امان از معدوم شدن تمام مراتب هستی است: «بیمنه رزق الوری» (برسی، ۱۴۲۲، ۱۵۷)، بیمنه خلق الوری، بکم ینزل الغیث و یمسک السماء أن تقع علی الارض» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۶۱۵: ۲).

۳. امان از ضلالت و گمراهی

در هفت روایت از روایات حدیث امان، به مساله امان از ضلالت اهل بیت علیهم السلام تصریح یا اشاره شده است. بعضی از الفاظ جنبه ایجابی داشته و مرتبط با هادی بودن و اثبات هدایت اهل بیت علیهم السلام می‌باشد و بعضی جنبه سلبی داشته و مرتبط با جلوگیری از ضلالت از جانب اهل بیت علیهم السلام می‌باشد. الفاظی که جنبه ایجابی داشته و مرتبط با اثبات هدایت از جانب اهل بیت علیهم السلام می‌باشد عبارتند از: عدم مفارقت با روح القدس و قرآن (حر عاملی، ۱۴۲۵، ۱: ۱۴۷)، علامات و نجم (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۴۲۵)، ابواب علوم (دیلمی، ۱۴۲۷ق، ۳۷۴)، سفینه نجات (دیلمی، ۱۴۲۷ق، ۳۷۴). الفاظی که جنبه سلبی داشته و مرتبط با سلب ضلالت از جانب اهل بیت علیهم السلام می‌باشد عبارتند از: امان از اختلاف (مظفر نجفی، ۱۴۲۲، ۱: ۵۲۲)، امان از ضلالت (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳: ۱۲۲)، امان از غرق (مظفر نجفی، ۱۴۲۲، ۱: ۵۲۲).

۳-۱. عدم مفارقت با روح القدس و قرآن

آیات تشریح به همراهی روح القدس و به وسیله جبرائیل بر قلب نبی اکرم اسلام صلی الله علیه و آله انزال می‌شود: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ... تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» (قدر: ۱-۴). مَلَك هِدَايَت و آیات هِدَايَت در هر جا محقق گردید، هِدَايَت تشریحی در آنجا تجلی یافته است. به هر میزان تقرب به مراتب هستی بالاتر باشد، تجلی ذات الهی و به تبع، علوم الهی در انسان بیشتر خواهد شد، تا جایی که فردی مثل آصف ابن برخیا به سبب بهره‌مندی از علم الهی (نمل: ۴۰)، آن چنان توانایی یافت که توانست تخت بلقیس (عرش عظیم) را به چشم بر هم زدنی نزد سلیمان حاضر کند. این علم، عین قدرت است و عین وجود حقیقی انسان؛ که به هر میزان بیشتر گردد و توسعه یابد، قدرت بیشتر، حیات شدیدتر، وجود توسعه یافته تر و

علوم گسترده تر خواهد شد.

کتاب تشریح چنان ظرفیت و عظمتی دارد که هر کس به میزانی که با طهارت درونی ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾، (واقعہ: ۷۹) خود بتواند حقیقت و حقایق آن را درک کند، به همان میزان از انوار مبارک این کتاب استضاء خواهد داشت، کتابی که کل حقایق عالم هستی در آن منظوی است (انعام: ۵۹؛ یونس: ۶۱؛ حدید: ۲۲).

از یک سو همه چیز را در امام مبین احصا کرده است: ﴿وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾ (یس: ۱۲)، و از سوی دیگر همه چیز را در کتاب مبین گرد آورده است: ﴿وَلَا رَطْبٌ وَلَا رِطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾ (انعام: ۵۹). جمع بین این دو حکم می‌کند که یا این دو یک حقیقت هستند به دو بیان، یا این که این دو با یکدیگر متحد هستند و باطن آنها با یکدیگر یکی هستند و از هم جدا نمی‌شوند، و راه وصول به حقایق آن طهارت است و بالاترین طهارت از آن کسانی است که خدا اراده کرده آنها را از هر رجس و پلیدی مطهر و مبرا سازد: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب: ۳۳). لذا بالاترین طهارت ملازم با بالاترین مراتب علم و معرفت به حقایق کل هستی خواهد بود که به شهادت قرآن علم کتاب مبین در او احصا شده است و شهادت او در نبوت و رسالت نبی مکرم اسلام همدوش شهادت خداست و این امر عظیم برای رسالت ایشان کفایت می‌کند: «کفی بالله شهیدا بینی و بینکم و من عنده علم الكتاب» (رعد: ۴۳).

در احادیث امان چنین آمده که اهل البیت علیهم السلام به مقامی رسیده اند که روح القدس و قرآن مطهر با وجود آنها متحد شده (به معنای تلازم وجودی و عدم مفارقت) و وجود آنها ملازم با روح القدس و قرآن شده است: «لَا يَفَارِقُهُمُ رُوحُ الْقُدُسِ وَلَا يَفَارِقُونَهُ وَلَا يَفَارِقُونَ الْقُرْآنَ وَلَا يَفَارِقُهُمْ» (حر عاملی، ۱۴۲۵، ۱: ۱۴۷). کسانی که هیچ مفارقتی بین آنها و بین «ملک و کتاب هدایت» متصور نباشد عین هدایت خواهند بود.

روایات ثقلین نیز مؤیدی است بر اینکه این دو ثقل اعظم زمان ورود بر نبی اکرم صلی الله علیه و آله در حوض کوثر از یکدیگر مفارقتی ندارند (قمی، ۱۴۰۴، ۲: ۳۴۵؛ صفار قمی، ۱۴۰۴، ۱: ۴۱۳).

۲-۳. امان از اختلاف

زندگی انسان‌ها به گونه‌ای نیست که همگی در همه امور اشتراک نظر و اجماع داشته باشند؛ اما باید توجه داشت که در هر موضوعی، حق یکی است و ممکن نیست همه احتمالات درست و مطابق واقع باشد. اختلاف اگر سبب تضارب آرا و حق جویی گردد، خیر است و مایه پیشرفت؛ ولی اگر بر اثر هوای نفس، برتری جویی، علو و فساد باشد، شر است و سبب رکود و تباهی. فتنه‌ها از اختلافات شروع می‌گردد و اختلاف است که خمیر مایه شیطنت شیطان در جنگ افروزی و عداوت‌ها می‌باشد. در امور اجتماعی، اختلافات بایستی نهایتاً جمع‌بندی گردد و به نظر واحد ختم گردد.

مانع اصلی بروز اختلاف، ظهور حق و حقیقت است، و عامل از بین رفتن تفرقه، روشنگری و مبارزه با جهل، فتنه‌ها، منکرات و گناهانی است که فطرت انسان را نسبت به آیات و حقایق الهی دگرگون می‌سازد. کسانی که به ولایت اهل بیت علیهم‌السلام تمسک جسته و در ذیل ولایت آنها قرار گیرند، راه حق برای آنها از سبیل ضلال متمایز می‌شود؛ چرا که اهل بیت علیهم‌السلام عین حق و حقیقت و صراط مستقیم می‌باشند. اگر همه اهل اسلام بر ولایت امیر المومنین و اولاد معصومین ایشان علیهم‌السلام اجتماع می‌کردند و راه و طریق ایشان را می‌پیمودند، این همه تفرق و تشتت در جهان اسلام بوجود نمی‌آمد. پس اهل بیت علیهم‌السلام مدار حق هستند، و کسانی که بر این مدار بچرخند و گرد ولایت آنها مجتمع شوند، از اختلافی که نتیجه آن پیوستن به حزب شیطان است، در امان خواهند بود: «النجوم أمان لأهل الأرض من الغرق، و أهل بیتی أمان لأمتی من الاختلاف، فإذا خالفتها قبيلة من العرب، اختلفوا، فصاروا حزب إبليس» (قمی، ۲: ۸۸).

۳-۳. علامات و نجم

در پیمودن هر راهی، آنچه انسان را از ضلالت و سر در گمی نجات می‌دهد، وجود علاماتی است که در مسیر قرار داده شده است. هر علامتی داللی است که بر مدلول خود دلالت می‌کند و نحوه دلالتش بر مدلول، یا انطباقی است، یا تضمینی و یا التزامی. اگر هدایت اهل بیت علیهم‌السلام را به دلالت انطباقی بگیریم، یعنی هدایت و صراط و مسیر منطبق بر وجود و قول و فعل و عملکرد آنهاست و آنها عین هدایت هستند. دلالت التزامی یعنی با قول و فعل خود التزاما مقصود و مقصد را نشان می‌دهند؛ چرا که عمل وسیله‌ای است برای وصول به غایت، و هر کس که عمل خود را منطبق بر



عمل و گفتار اهل بیت علیهم السلام گرداند، التزاما خود را در جریان وصول به غایت و مقصود واقعی قرار داده است.

اهل بیت علیهم السلام تکوینا، از طرف خداوند به عنوان هادیان طریق قرار داده شده اند؛ آنها عین هدایت و عین صراط هستند که تمسک به وجود آنها هدایت بخش است. اهل بیت علیهم السلام از آن جهت که مفسر قرآن هستند، تبیین کننده نقشه راه هستند، از طرف دیگر قول و فعل آنها عین قانون و تشریح می باشد، یعنی قول و فعل آنها دلیل است بر عمل حقی که اسوه و الگو قرار دادن آن عین اهتدا به هدایت حق می باشد: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ (احزاب: ۲۱). پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام نه تنها مفسر و مبین نقشه راه هستند بلکه عین راهند.

اهل بیت علیهم السلام نشان تمام معروفها و خوبیها هستند: «نُجُومٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مِنْ وُلْدِي أَحَدَ عَشَرَ نَجْمًا أَمَانَ فِي الْأَرْضِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا» (عدهای از علما، ۱۴۲۳، ۱۳۹). امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: ﴿وَاعْلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾ (نحل: ۱۶)، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نجم، و ائمه علیهم السلام را علامات می داند: «تَحْنُ الْعَلَامَاتُ وَ النَّجْمُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ النُّجُومَ أَمَانًا لِأَهْلِ السَّمَاءِ» (قمی، ۱۴۰۴، ۱: ۳۸۳؛ ۲: ۳۴۳).

تنها با اهل بیت علیهم السلام که غلم و شاخص و علامات معروفها هستند و با نجم ثاقب (طارق: ۳) به نور منیر نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که تجلی تمام خوبیها و خلق عظیم و مصلحتهاست هدایت حاصل می شود و اقتدا و سلوک در ذیل انوار طیبه ایشان و اولاد معصومین اوست که ما را به اطمینان و رضوان و سبل سلام می رساند: ﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (مائدة: ۱۶). کسانی که به ذیل ولایت آنها متمسک گردند آنها را به این مقام واصل می گرداند. این است معنای امان از ضلالت و هلاکت دنیوی و اخروی.

۳-۴. سفینه النجاة

سومین لفظی که به صورت ایجابی هدایت و امان از ضلالت اهل بیت علیهم السلام را در احادیث امان ثابت می کند سفینه النجاة بودن آنها می باشد: «... و أنهم السفینه

للنجاة، و أَنَّهُمْ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، وَ أَنَّهُمْ أَمَانَ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ مِنَ الْعَذَابِ» (دیلمی، ۱۴۲۷، ۳۷۴).

سفینه نجات تعبیری است برگرفته از کشتی حضرت نوح سلام الله علیه در طوفان معروفی که منجر به هلاکت تمامی ظالمین یا ظالمین از قوم نوح «بُعْدًا لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» شد، و تنها کسانی نجات یافتند که سوار بر آن کشتی شدند. هر کس از آن تخلف کرد، هلاک شد و در طوفان غرق گردید (ر.ک: هود: ۴۲ - ۴۸).

هر کس اهلیت با اهل بیت علیهم السلام پیدا کند و عملش هم سنخ با عمل آنها گردد، داخل در سفینه نجات آنها می‌گردد و این سفینه در طوفان جهالت‌ها، گمراهی‌ها، کج روی‌ها و فتنه‌ها، او را که به حبل المتین و عروه الوثقی آنها متمسک گردیده و پا در کشتی نجات ولایت آنها گذارده از ضلالت و گمراهی و غرق شدن نجات می‌دهد.

۳-۵. ابواب العلم

چهارمین لفظی که به صورت ایجابی هدایت و امان از ضلالت اهل بیت علیهم السلام را در احادیث امان ثابت می‌کند ابواب العلم بودن آنها است: «وَأَنَّهُمْ أَبْوَابُ الْعُلُومِ» (دیلمی، ۱۴۲۷، ۳۷۴) و «أَنَّهُمْ كَنْزُ الرَّحْمَةِ وَ مَعَادِنُ الْعِلْمِ» (همان).

علم، نور هدایت و رشد است و گمراهی و سقوط، از آثار جهل و نادانی است: ﴿يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (مجادله: ۱۱). ایمان به مقصد و هدف و جهت واحد و عمل در مسیر آن، سبب رفعت در مقامات تقرب الهی می‌گردد و کسانی که حقیقت علم به آنها عطا شده، درجاتی از قرب را واجد هستند که دیگران از درک آن عاجزند. شهادت عالم است که در کنار شهادت خدای تعالی، کفایت در رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله دارد: ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ (رعد: ۴۳). ذره‌ای از این علم چنان قدرتی به وزیر سلیمان داد که در چشم به هم زدنی عرش عظیم پادشاه سرزمین سبا را نزد سلیمان در بیت المقدس حاضر کرد: ﴿قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ﴾ (نمل: ۴۰).

این علم به اسماء بود که حضرت آدم علیه السلام را شایسته مقام خلافت الهی در زمین کرد و فرشتگان را به خضوع در برابر او برانگیخت.

سفر علمی
سال بیست و هشتم، شماره صد و نهم

بر اساس حدیث نبوی مشهور و بلکه متواتر، پیامبر اکرم ﷺ مدینه علم و دار حکمت، و علی علیه السلام باب آن مدینه و دار است (ر.ک: میلانی، ۱۴۱۴، جلد ۱۰؛ امینی، ۱۴۱۶، ۶: ۸۷-۱۱۷).

۴. امان از عذاب و هلاک دنیوی

اهل بیت علیهم السلام در صورت التزام بندگان به هدایت الهی، هم حافظ و امان انسانها از عذاب و هلاکت و شقاوت دنیوی هستند و هم عذاب اخروی. در ۱۱ روایت از روایات امان به امان از عذاب و هلاک دنیوی اشاره یا تصریح شده است: «بِهِمْ يَمْهَلُ أَهْلُ الْمَعَاصِي وَ لَا يَعْجَلُ عَلَيْهِمْ بِالْعُقُوبَةِ وَ الْعَذَابِ» (حر عاملی، ۱۴۲۵، ۱: ۱۴۷)، «فَإِذَا ذَهَبَ أَهْلُ بَيْتِي أَتَى أَهْلَ الْأَرْضِ مَا يُوعَدُونَ» (ابن حیون، ۱۴۰۹، ۲: ۵۰۲)، «فَإِذَا ذَهَبَ أَهْلُ بَيْتِي ذَهَبَ أَهْلُ الْأَرْضِ» (قمی، ۱۴۰۴، ۲: ۸۸)، «فَإِذَا ذَهَبَتْ نُجُومُ أَهْلِ بَيْتِي مِنَ الْأَرْضِ أَتَى أَهْلَ الْأَرْضِ مَا يَكْرَهُونَ» (عده‌ای از علما، ۱۴۲۳، ۱: ۱۳۹)، «فَإِذَا هَلَكَ أَهْلُ بَيْتِي وَ أَتَى الْأَرْضَ مَا يَكْرَهُونَ» (حر عاملی، ۱۴۲۵، ۲: ۲۵۹)، «امان فی الارض لاهل الارض ان تمید باهلها» (همان)، «لو بقيت الأرض بغير إمام لساخت» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۱۷۹)، و در روایت دیگر: «لماجت بأهلها كما يموج البحر بأهله» (همان)، «و أنهم امان لهذه الأمة من العذاب» (دیلمی، ۱۴۲۷، ۳۷۴)، «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ أَهْلَ بَيْتِي أَمَانًا لِأَهْلِ الْأَرْضِ فَلَا يَنْزِلُ بِهِمْ عَذَابٌ عَامٌ مَا كَانَ أَهْلُ بَيْتِي فِيهِمْ» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ۲: ۲۷۳)، «وَ تَكُونُ لَهُمْ أَمَانًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» (خصیبی، ۱۴۱۹، ۲۰۶).

از منظر اسلام عامل مصیبت، هلاکت و عذاب الهی در این دنیا خود انسان و اعمال او می‌باشد. این مطلب در آیات و روایات بیان شده است (انفال: ۵۴؛ انعام: ۶؛ شعرا: ۱۳۹؛ مومنون: ۴۸؛ کهف: ۵۹؛ یونس: ۱۳؛ حج: ۴۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۴۴۸؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۴، ۱: ۱۳؛ ۲: ۱۷؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ۲۷۰؛ قطب راوندی، ۱۴۰۷، ۶۱؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ۱۵۱).

اما عواملی سبب به تاخیر افتادن این عذاب و هلاکت می‌گردد. یکی از این عوامل، وجود مومنین و ولی خدا است: «لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (فتح: ۲۵)، «وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ» (انفال: ۳۳).

در این زمینه روایاتی نیز وجود دارد مبنی بر اینکه وجود مومنین در بین فاجران

سبب لغوی یا تاخیر عذاب، ۳۲۶ و ۴۵۱؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ۱: ۲۰۸ و ۲۳۴؛ ۲: ۲۰؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۳۰: قمی، ۱۴۰۴، ۱: ۸۳؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ۱: ۱۳۵).

پس عامل ایمان، مهمترین عامل در رد عذاب و بالاترین مانع در جلوگیری از هلاکت قریه ها و امم می باشد. به هر میزان که ایمان فرد و یا افراد مؤمن در آن جامعه بیشتر باشد، تاثیر وجودی آنها و نور معنویت آنها تاثیر بیشتری در تأخیر و منحرف و منصرف کردن عذاب از آن امت خواهد داشت. انسان‌های معصوم، مؤمن ترین و با تقواترین انسان‌ها در زمین می‌باشند فلذا عصمت عملی و نور ایمان آنها بالاترین تاثیر را در زمینه دفع بلاها و امان ماندن انسانها از عذاب اعمالشان دارا می‌باشند. با توجه به مطلب یادشده، معنای روایات «ساخت الأرض بأهلها» روشن می‌گردد (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ۱۱۶-۱۱۸؛ همو، ۱۳۸۵، ۷۶ و ۷۷؛ همو، ۱۳۷۸، ۱۵۰-۱۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳: ۲۱).

پس وجود اهل بیت و حجج الهی صلوات الله علیهم بر انسان‌ها، بالاترین مظهر رحمت الهی، در امان آنها از هلاک دنیوی است.

۵. امان از عذاب و هلاکت اخروی

چنانچه موجودی به لوازم هدایت الهی ملتزم گردد و خود را در مسیر هدایت الهی و صراط مستقیم عبودیت، قرار دهد از «رحمت خاصه الهی» نیز بهره مند خواهد شد و لازمه این رحمت، امان از «عذاب دنیوی» و «عذاب اخروی» و بالتبع بهره مندی از نعمت و سعادت‌هایی است که به خواص وعده داده شده است و در صورت دوری از هدایت الهی و صراط مستقیم، نعمت و شقاوت همراه او می‌گردد.

در ۶ مورد از احادیث امان به امان از هلاکت اخروی اشاره یا تصریح شده است: «مَا بَالُ أَقْوَامٍ يُؤَدُّونِي فِيهِمْ لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي» (خزاز رازی، ۱۴۰۱، ۲۹)، «فَوَيْلٌ لِّلْمُكَدِّبِ بِفَضْلِهِمْ مِنْ أُمَّتِي الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ صِلَتِي، لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳: ۱۲۲)، «وَبِنَا بِرِّدِ الْعَذَابِ عَنْكُمْ» (دیلمی، ۱۴۲۷، ۳۷۴)، «وَلَايَتِي وَوَلَايَةَ أَهْلِ بَيْتِي بِرَاءَةٌ وَ أَمَانٌ مِنَ النَّارِ» (طبری املی، ۱۳۸۳، ۱۷۶)، «وَلَايَتِي وَوَلَايَةَ أَهْلِ بَيْتِي أَمَانٌ مِنَ النَّارِ» (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ۴۷۴)، «... وَ تَكُونُ لَهُمْ أَمَانًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» (خصیبی، ۱۴۱۹، ۲۰۶).

نتیجه

اهل بیت علیهم السلام مظهر تام رحمت الهی در تمام حیثیت‌ها و جهات می‌باشند که به گونه‌های مختلف و در ساحت‌های گوناگون تجلی یافته و خواهد یافت. وجود مخلوقات، هدایت عام و خاص الهی در عرصه تکوین و تشریح، مصونیت از عذاب الهی در دنیا و آخرت و برخورداری از رحمت عام و خاص الهی، همگی جلوه‌های امان بودن اهل بیت علیهم السلام است که در روایات مختلف حدیث امان بیان شده است.

فهرست منابع

١. ابن حجر هيثمى، احمد، ١٤٢٥ق، *الصواعق المحرقة فى الرد على اهل البدع و الزندقة*، بيروت، مكتبة العصرية.
٢. ابن حنبل، احمد بن محمد، ١٤٠٣ق، *فضائل الصحابة*، مؤسسة الرسالة.
٣. ابن حيون، نعمان بن محمد مغربى، ١٤٠٩ق، *شرح الأخبار فى فضائل الأئمة الأطهار*، قم، انتشارات جامعه مدرسين.
٤. ابن فارس، احمد، ١٤٠٤ق، *معجم مقاييس اللغة*، قم، مكتب الاعلام الاسلامى.
٥. ابن فهد حلى، احمد بن محمد، ١٤٠٧ق، *عدة الداعى و نجاح الساعى*، تحقيق: احمد موحدى قمى، قم، دار الكتاب الإسلامى.
٦. امينى، عبدالحسين، ١٤١٦ق، *الغدير فى الكتاب و السنة و الأدب*، قم، مركز الغدير.
٧. بحراني، سيد هاشم بن سليمان، ١٤١٣ق، *مدينة معجز الأئمة الإثنى عشر*، ايران، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية.
٨. برسى، رجب بن محمد بن رجب، ١٤٢٢ق، *مشارك أنوار اليقين فى أسرار أمير المؤمنين*، بيروت، اعلمى.
٩. تميمى آمدى، عبد الواحد بن محمد، ١٤١٠ق، *غرر الحكم و درر الكلم*، قم، دار الكتاب الاسلامى.
١٠. چگينى، رسول، ١٣٩٣، *«اعتبارسنجى حديث امان در روايات اهل سنت»*، فصلنامه امامت پژوهى، شماره ١٥، پاييز ١٣٩٣، صص ١٤٧-١٧٦.
١١. حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله، ١٤٢٩ق، *المستدرک على الصحيحين*، بيروت، دار الكتب العربى.
١٢. حر عاملى، محمد حسن، ١٤٢٥ق، *إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات*، بيروت، اعلمى.
١٣. حسكاني، عبيد الله بن عبد الله، ١٤١١ق، *شواهد التنزيل لقواعد التفضيل*، تهران، مجمع احياء الثقافة الاسلامية.
١٤. خزاز رازى، على بن محمد، ١٤٠١ق، *كفاية الأثر فى النص على الأئمة الإثنى عشر*، قم، بيدار.
١٥. خصيبى، حسين بن حمدان، ١٤١٩ق، *الهداية الكبرى*، بيروت، البلاغ.

۱۶. دیلمی، حسن بن محمد، ۴۲۷ق، *غرر الأخبار*، قم، دلیل ما.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۴۱۲ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت- دمشق، دار القلم.
۱۸. ربانی گلپایگانی، علی- فاطمی نژاد، علیرضا، ۱۳۹۵، «*حدیث امان و امامت اهل بیت (علیهم السلام)*»، فصلنامه کلام اسلامی، شماره ۱۰۰، زمستان ۱۳۹۵، صص ۹-۳۶.
۱۹. زینلی، غلامحسین، ۱۳۸۵، *حدیث امان*، فصلنامه حدیث اندیشه، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، صص ۴۴-۶۶.
۲۰. شجرى جرجانى، یحیی بن الحسین، ۴۲۲ق، *ترتیب الأمالی الخمیسیة*، تحقیق محمد حسن محمد حسن اسماعیل، لبنان، دار الکتب العلمیة.
۲۱. شعیری، محمد بن محمد، [بی تا]، *جامع الأخبار*، نجف، مطبعه حیدریه.
۲۲. شیخ صدوق، محمد بن علی، ۳۷۶ش، *الأمالی*، تهران، کتابچی.
۲۳. شیخ صدوق، محمد بن علی، ۳۷۸ق، *عیون أخبار الرضا (علیه السلام)*، تهران، جهان.
۲۴. شیخ صدوق، محمد بن علی، ۳۸۵ش، *علل الشرایع*، قم، کتاب فروشی داوری.
۲۵. شیخ صدوق، محمد بن علی، ۳۹۵ق، *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران، اسلامیة.
۲۶. شیخ صدوق، محمد بن علی، ۴۰۶ق، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم، الشریف الرضی.
۲۷. شیخ صدوق، محمد بن علی، ۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. شیخ طوسی، محمد بن حسن، ۴۱۴ق، *الأمالی*، قم، دار الثقافة.
۲۹. شیخ مفید، مفید، محمد بن محمد، ۴۱۳ق، *الاختصاص*، قم، کنگره بین المللی شیخ مفید.
۳۰. صفار قمی، محمد بن حسن، ۴۰۴ق، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (علیهم السلام)*، قم، مکتبة آية الله المرعشي النجفی.
۳۱. طباطبایی، سید محمد حسین، ۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۲. طبری آملی، عماد الدین أبو جعفر محمد بن أبی القاسم، ۳۸۳ق، *بشارة المصطفی لشیعة المرتضی*، نجف، المکتبة الحیدریة.

۳۳. عدهای از علماء، ۱۴۲۳ق، *الأصول الستة عشر*، قم، مؤسسة دار الحديث الثقافية.
۳۴. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، *تفسیر العیاشی*، تهران، چاپخانه علمیه.
۳۵. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ۱۳۷۵ش، *روضۃ الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم، شریف رضی.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن أحمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت.
۳۷. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، تهران، انتشارات صدر.
۳۸. قطب راوندی، سعید بن هبة الله، ۱۴۰۷ق، *الدعوات*، قم، انتشارات مدرس امام مهدی علیه السلام.
۳۹. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، *تفسیر القمی*، قم، دارالکتاب.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۴۱. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ش، *عیون الحکم و المواعظ*، قم، دار الحديث.
۴۲. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۴۳. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ق، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۴۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴ش، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
۴۵. مظفر نجفی، محمد حسن، ۱۴۲۲ق، *دلائل الصدق لنهج الحق*، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۴۶. میلانی، سید علی حسینی، ۱۴۱۴ق، *نفحات الأزهار فی خلاصة عبقات الأنوار*، قم، مهر.